گفت‌وگو

مهسا گربندی

گفت‌وگوی «جوان» با معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش‌وپرورش درباره طرح نماد

آموزش و پرورش نمی‌تواند مقابل آسیب‌های اجتماعی بایستد

صادق حسین‌زاده ملکی: نه فقط آموزش و پرورش، بلکه خانواده‌ها، رسانه‌ها، نهادهای مردمی، دستگاه‌های مختلف و حتی بخش خصوصی باید دست در دست هم دهند تا فضای سالم‌تری برای زیست دانش‌آموزان فراهم شود

یک تماس تلفنی در نیمه‌شب، جان دختر نوجوانی را از مرگ نجات داد، لحظه‌ای که به روشنی نشان داد گاهی میان تاریکی و گم‌شدن در افکار اشتباه، تنها یک همدلی ساده می‌تواند مرز میان مرگ و زندگی را تغییر دهد. این روایت دلهره‌آور اما واقعی، تنها یکی از تجربه‌های رخ‌داده در جریان اجرای طرح ملی نماد است، طرحی که تاکنون بیش از ۸ میلیون دانش‌آموز را مورد پایش قرار داده و از میان‌شان، ۱۱۸ هزار دانش‌آموز در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی را شناسایی کرده و با همراهی خانواده‌ها، مشاوران، معلمان و مدیران مدارس، شبکه‌ای از مراقبت و حمایت ساخته است. البته که فاصله تا نقطه مطلوب بسیار است و نیاز به اقدامات ویژه‌تری وجود دارد، اما تا اینجای مسیر، دست نوجوانان زیادی که به بیراهه رفته بودند، گرفته شده و به مسیر درست زندگی بازگردانده شده‌اند. در روزگاری که فشارهای فضای مجازی، بحران‌های اجتماعی و کمبود مهارت‌های زندگی نوجوانان را تا مرز سقوط می‌برد، نماد در تلاش است تا سپری ایمن برای نسل آینده باشد، سپری که نه‌تنها بر دوش مشاوران، بلکه با همدلی خانواده‌ها، مسئولیت‌پذیری مدارس و همکاری نهادهای مختلف ساخته می‌شود. تجربه نشان داده هر جا خانواده‌ها در کنار مدرسه قرار گرفته‌اند، امید به زندگی و اعتماد به آینده در دل دانش‌آموزان جوانه زده است. «جوان» در رابطه با این طرح و موانع و چالش‌هایی که در مسیر اجرای هر چه بهتر آن وجود دارد، با صادق حسین‌زاده ملکی، معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش‌وپرورش گفت‌وگو کرده‌است.

طرح نماد با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان معرفی شده‌است. چه شواهد عینی و ملموسی وجود دارد که نشان دهد این طرح واقعاً توانسته به نتایج مورد انتظار دست پیدا کند؟

مجموعه‌ای از اتفاقات نجات‌بخش در جریان این طرح رقم خورده‌است. برای نمونه، دانش‌آموزی داشتیم که تحت فشارهای مختلف تصمیم به خودکشی گرفته بود، اما یک تماس ساده با مشاور، آن هم ساعت ۱۱ شب، زندگی را به او برگرداند. آن شب، همکاران ما با خانواده دانش‌آموز تماس گرفتند. وقتی والدین به اتاق آن دختر رفتند، متوجه شدند او اقدام به خودکشی کرده‌است. در نهایت با انتقال سریع به بیمارستان و تلاش پزشکان تا ساعت ۴ صبح، جان او را نجات دادند. این تنها یکی از روایت‌هایی است که در جریان اجرای طرح نماد رخ داده‌است.

متأسفانه بسیاری از دانش‌آموزان تحت‌تأثیر تبلیغات فضای مجازی و هیجانات شدید روحی گرفتار آسیب خودکشی می‌شوند. برخی پس از این تجربه تلخ و دردناک، درست در همان لحظه پشیمان می‌شوند، اما همه‌شان فرصت بازگشت پیدا نمی‌کنند. همین‌جاست که اهمیت مداخلات به‌موقع روشن می‌شود.

در سال تحصیلی گذشته بیش از ۸ میلیون دانش‌آموز مورد توجه و بررسی قرار گرفتند. از میان آنها حدود ۱۱۸ هزار نفر در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی شناسایی شدند. برای این گروه، با همراهی خانواده‌ها، مشاوران، معلمان و مدیران مدارس، شبکه‌ای از مراقبت و حمایت شکل گرفت. همچنین حدود ۲۰ هزار دانش‌آموز به دستگاه‌های تخصصی خارج از آموزش و پرورش، مانند وزارت بهداشت، کمیته امداد و قوه قضائیه ارجاع شدند تا حمایت‌های تخصصی دریافت کنند. امسال نیز برنامه‌ریزی شده است که نزدیک به ۱۵ میلیون دانش‌آموز تحت بررسی و پایش قرار گیرند تا دامنه حمایت‌ها گسترده‌تر شود.

در کنار این اقدامات، ما ۳۲ منطقه هدف را نیز به‌طور ویژه در نظر گرفته‌ایم، مناطقی که مدارس‌شان بیش از دیگر نقاط کشور نیازمند آموزش، امکانات و مداخلات تخصصی هستند. با وجود محدودیت‌های بودجه‌ای، تمرکز منابع را به این مناطق اختصاص دادیم و برنامه‌های فرهنگی، پیشگیرانه، اجتماعی، ورزشی و حتی بخشی از امکانات مورد نیاز را تا حد امکان به آنها منتقل کردیم.

به نظر من، بزرگ‌ترین دستاورد یک سال گذشته افزایش حساسیت بدنه آموزش‌وپرورش نسبت به موضوع آسیب‌های اجتماعی بوده‌است. امروز این بدنه از پروتکل‌ها، دستورالعمل‌ها و ظرفیت‌های سازمان‌های مختلف بهره‌مند شده و توانسته بخش مهمی از مسائل را حل کند. البته باید صادقانه گفت که هنوز تا وضعیت مطلوب فاصله داریم. ما در ابتدای مسیر هستیم و تازه کار را به‌صورت ساختاری دنبال می‌کنیم، اما با توسعه تدریجی برنامه ملی نماد و عمقی که در حال شکل‌گیری است، می‌توان امیدوار بود که در آینده گام‌های بسیار بلندتری برداشته شود.

یکی از چالش‌های جدی آموزش‌وپرورش، کمبود نیروی متخصص روان‌شناسی در مدارس است. پس چگونه قرار است طرح نماد بدون وجود نیروی متخصص، به درستی اجرا شود؟

این طرح هرچند ناظر بر مشاوران و روان‌شناسان است، اما فقط متکی به آنها نیست. ما در حوزه آسیب‌های اجتماعی حدود ۹ محور اصلی را تعریف کرده‌ایم که به‌طور مستمر پایش می‌شوند. برای هر یک از این محورها دستورالعمل‌ها و راهکارهای علمی تدوین شده‌است، راهکارهایی که نقش مدیر، معلم، مربی پرورشی، مشاور و حتی والدین را مشخص می‌کند و همراه با محصولات فرهنگی مرتبط در اختیار مدارس قرار می‌گیرد. این محتواها در سامانه بارگذاری شده و مدیران مدارس می‌توانند هم‌زمان از آنها استفاده کنند و اقدامات لازم را پیش ببرند.

هر چند حضور مشاوران توانمند و پرتلاش کیفیت کار را بالاتر می‌برد، اما از وزیر گرفته تا مدیران کل استان‌ها، معاونان، رؤسای مناطق و مدیران مدارس، همه در این طرح نقش و وظیفه مشخص دارند. در رسیدگی به برخی مسائل نیز نهادهایی مانند وزارت کشور، سازمان امور اجتماعی، بهزیستی، کمیته امداد، قوه‌قضائیه و سایر دستگاه‌ها به آموزش‌وپرورش کمک می‌کنند تا امکان پیگیری مؤثرتر فراهم شود. در حوزه مشاوران هم طی یکی دو سال اخیر افزایش قابل توجهی در تعداد نیروها داشته‌ایم و پوشش خدمات مشاوره‌ای رشد محسوسی پیدا کرده‌است.

برای استفاده بهینه از ظرفیت موجود، سازوکارهایی طراحی شده‌است؛ مثلاً در مقاطع متوسطه اول و دوم، بخشی از رسیدگی‌ها باید توسط مشاوران انجام شود. به همین منظور گروه‌های «مشاور سیار» تشکیل شده‌اند تا به مدارسی اعزام شوند که مشاور ثابت ندارند. همچنین نظام ارجاع به مراکز تخصصی پیش‌بینی شده‌است، به‌طوری که در موارد خاص، دانش‌آموزان به این مراکز معرفی و از خدمات تخصصی بهره‌مند می‌شوند.

نکته مهم دیگر، افزایش چشمگیر ساعات مشاوره است. در سال گذشته حدود ۴۰۳ هزار ساعت مشاوره در هفته داشتیم، اما این عدد اکنون به ۴۸۴ هزار ساعت در هفته رسیده‌است. این رشد نشان‌دهنده توجه جدی‌تر به سلامت روان و اجتماعی دانش‌آموزان است. البته مشکلات و چالش‌ها همچنان وجود دارد و فاصله با نقطه مطلوب قابل توجه است.

به طور مشخص خانواده‌ها در این طرح چه جایگاهی دارند؟ آیا صرفاً به آنها اطلاع‌رسانی می‌شود یا واقعاً در فرآیند تصمیم‌گیری و مراقبت اجتماعی شریک هستند؟

واقعیت این است که در هر کار فرهنگی، خانواده محور اصلی است. تجربه نشان داده هر زمان که توانسته‌ایم برنامه‌ای را در نهاد خانواده نهادینه کنیم و از ظرفیت خانواده‌ها به‌درستی بهره ببریم، در حوزه فرهنگ موفق بوده‌ایم. این یک فرمول آزموده شده‌است که همواره نتیجه داده و در برنامه نماد هم جایگاه ویژه‌ای برای خانواده‌ها در نظر گرفته شده‌است.

در چارچوب این برنامه، مجموعه‌ای از آموزش‌ها برای والدین طراحی شده تا بتوانند در مواجهه با آسیب‌های احتمالی روان‌شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان، برخوردی آگاهانه‌تر و مسئولانه‌تر داشته‌باشند. در بسیاری از مناطق هدف، این آموزش‌ها به‌صورت گسترده اجرا شده، به‌گونه‌ای که در بیش از نیمی از استان‌ها و در تمام مدارس مناطق هدف، جلسات توجیهی، آموزشی و انتقال تجربه برای والدین برگزار شده‌است.

بخشی از این برنامه‌ها شامل آموزش‌های کاربردی برای انواع موقعیت‌های حساس است و بهترین و به‌روزترین محتواها متناسب با شرایط خانواده‌ها در اختیارشان قرار گرفته‌است. علاوه بر این، مجموعه‌ای از محصولات فرهنگی، تربیتی و آموزشی نیز تهیه و به والدین ارائه شده تا بتوانند نقش خود را در این فرآیند به‌درستی ایفا کنند.

در مسیر اجرای این طرح، موانع اصلی چه بوده‌است؟ چه چالش‌ها و کمبودهایی داشتید؟ و برای عبور از این چالش‌ها چه همکاری‌ها و همیاری‌هایی لازم است؟

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های ما، مسئله نیروی انسانی و منابع انسانی است. این موضوع در دو بخش قابل بررسی است، نخست حوزه مشاوران که در مداخلات تخصصی و رسیدگی‌های فردی نقش کلیدی دارند و دوم حوزه مربیان پرورشی که در فعالیت‌های پیشگیرانه و تربیتی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

هرچه فرصت کمتری برای ارتقای مهارت‌های خوشبختی و مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان فراهم شود و زمان کمتری به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی اختصاص یابد، ناچار خواهیم بود با هزینه‌های چندبرابری آسیب‌های اجتماعی را جبران کنیم. در حالی که اگر بتوانیم در برنامه‌های ملی، فرصت کافی برای آموزش‌های ارتقایی مرتبط با موضوعاتی مانند نماز و معنویت، تمرین مهارت‌های زندگی و تقویت ویژگی‌های شخصیتی مثبت فراهم کنیم، بخش قابل‌توجهی از آسیب‌ها به‌صورت ریشه‌ای پیشگیری خواهد شد.

بخش دیگری از این موضوع به برنامه درسی ملی برمی‌گردد. ما نیاز داریم جانمایی دقیق‌تری در برنامه درسی داشته‌باشیم تا اقدامات آموزشی و تربیتی که می‌تواند دانش‌آموزان را نسبت به بسیاری از آسیب‌ها، واکسینه کند، به‌درستی در ساختار آموزشی گنجانده شود. بسیاری از مهارت‌های زندگی در دروس مختلف مطرح می‌شوند، اما فرصت تمرین عملی آنها در برنامه‌های پرورشی و تربیتی به‌اندازه کافی وجود ندارد. مثلاً، یک اردوی پرنشاط و هدفمند با حضور دانش‌آموزان، معلمان و مربیان می‌تواند فرصت ارزشمندی برای تمرین مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی باشد. اگر چنین برنامه‌هایی در برنامه درسی ملی جایگاه مناسبی پیدا کنند، نقش مهمی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی خواهند داشت.

مسئله دیگر، موضوع بودجه است. البته تجربه نشان داده بودجه هیچ‌گاه دلیل اصلی موفقیت یا شکست نبوده‌است. زمانی که سرمایه اجتماعی و توان مردمی پای کار می‌آید، خانواده‌های دغدغه‌مند، معلمان و مشاوران متعهد حتی با امکانات محدود نیز کارهای بزرگی انجام می‌دهند. با این حال، پس از نیروی انسانی، بودجه نیز اهمیت دارد. در برخی مناطق با کمبود نیرو مواجه هستیم و در بعضی مدارس پرجمعیت امکان اختصاص مشاور یا مربی پرورشی کامل وجود ندارد. همچنین لازم است در برنامه درسی ملی فرصت بیشتری برای فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی جذاب ایجاد شود.

در حوزه همکاری‌های بین‌دستگاهی، شرایط نسبت به گذشته بهتر شده و هماهنگی‌ها افزایش یافته‌است، اما همچنان نیاز داریم نظام ارجاع تقویت شود و برخی سازوکارها به‌روزرسانی گردد. در بعضی پروتکل‌ها نیز باید به پیامدهای فناوری‌های نوین توجه جدی‌تری شود، چراکه اگر الگوهای درست استفاده شناخته نشود، آسیب‌های جدیدی شکل خواهد گرفت.

نکته مهم دیگر، توجه به نهاد خانواده است. بسیاری از تعارض‌ها و آسیب‌های روان‌شناختی و اجتماعی که در مدارس شناسایی می‌شود، ریشه در مسائل خانوادگی دارد. بخشی از این آسیب‌ها ناشی از مسائل فرهنگی و بخشی دیگر ناشی از شرایط و چالش‌های متنوعی است که خانواده‌ها با آن مواجهند. بنابراین ناچاریم هم مدرسه و هم فضای فرامدرسه را همزمان در نظر بگیریم و صرفاً به محیط آموزشی محدود نشویم.

فناوری‌های نوین نیز کار ما را دوچندان کرده‌اند. این فناوری‌ها در کنار فرصت‌ها، تهدیدهای جدی هم دارند. بخش مهمی از آسیب‌هایی که امروز از طریق فضای مجازی به دانش‌آموزان منتقل می‌شود، مستقیماً با همین فناوری‌ها ارتباط دارد. دسترسی آسان به محتوای نامناسب مسیر بروز آسیب‌ها را هموار می‌کند، از اعتیاد گرفته تا ارائه راهکارهایی که می‌تواند به خودکشی یا رفتارهای پرخطر منجر شود. این مسئله متأسفانه زمینه‌ساز سقوط‌های ناگهانی و شدید می‌شود و نمونه‌های متعددی از آن را در کشور دیده‌ایم.

آیا اجرای طرح نماد باعث افزایش اعتماد دانش‌آموزان به مدرسه و معلمان شده یا برعکس، به دلیل ترس از برچسب‌گذاری و قضاوت، فاصله‌ای میان دانش‌آموزان و نظام آموزشی ایجاد کرده‌است؟

اطلاعات و داده‌های این طرح فقط در اختیار کارشناسان امین و متخصص قرار دارد. دسترسی‌ها کاملاً محدود، کنترل‌شده و مبتنی بر اصول محرمانگی است و موضوع حریم خصوصی به‌شدت جدی گرفته می‌شود. اساساً بستری برای برچسب‌گذاری وجود ندارد.

واقعیت این است که امروز ده‌ها برابر اطلاعات شخصی ما و فرزندان‌مان، صرفاً به واسطه نوع رفتارمان در فضای مجازی، در اختیار پلتفرم‌های مختلف جهانی قرار می‌گیرد. همه ما وقتی در این پلتفرم‌ها کنشگری می‌کنیم، بخش قابل‌توجهی از اطلاعات روحی، روان‌شناختی و رفتاری‌مان عملاً در اختیار صاحبان این پلتفرم‌ها قرار می‌گیرد. نمونه روشن آن، نحوه عملکرد شبکه‌هایی مانند اینستاگرام است، جایی که نوع پست‌هایی که به ما نمایش داده یا پیشنهاد می‌شود، دقیقاً بازتابی از الگوهای رفتاری و علایق ماست.

تفاوت اساسی نماد، با این فضاها، در این است که اطلاعات دانش‌آموزان نه‌تنها به‌صورت محرمانه نگهداری می‌شود، بلکه فقط در چارچوب پروتکل‌های مشخص و برای کمک به خود دانش‌آموز به کار گرفته می‌شود. اگر نشانه‌هایی از اضطراب یا آسیب روانی بالاتر از حد معمول در دانش‌آموزی شناسایی شود، این موضوع به‌صورت کاملاً محرمانه و در قالب یک هشدار حرفه‌ای به مشاور مدرسه یا در برخی موارد به مدیر مدرسه منتقل می‌شود تا برای آن برنامه‌ای متناسب، مانند ارجاع به برنامه‌های معرفتی یا حمایتی، طراحی شود.

نکته مهم این است که مواردی که دانش‌آموز نیازمند رسیدگی فوری و حمایت شبکه‌ای است، تنها به‌صورت یک آلارم، یا اطلاع‌رسانی ظاهر می‌شود، یعنی نوعی آگاهی‌بخشی به والدین، اولیا، مربیان و مشاوران که این دانش‌آموز نیاز به توجه بیشتری دارد.

اگر بخواهید یک اصل کلیدی یا توصیه بنیادین از دل این طرح را، در یک جمله خطاب به خانواده‌ها، معلمان و مدیران کشور بیان کنید، آن اصل چیست؟

این است که آینده طرح نماد را باید در گرو همکاری همه‌جانبه دید. آموزش‌وپرورش به‌تنهایی نمی‌تواند بار سنگین مقابله با آسیب‌های اجتماعی را به دوش بکشد، خانواده‌ها، رسانه‌ها، دستگاه‌های مختلف، نهادهای مردمی و حتی بخش خصوصی باید دست به دست هم دهند تا فضای سالم‌تری برای زیست دانش‌آموزان فراهم شود. این اتحاد و هم‌افزایی، همان چیزی است که می‌تواند شرایط رشد متوازن و ایمن برای نسل آینده را مهیا کند.

واقعیت این است که بسیاری از آسیب‌هایی که در فضای عمومی جامعه بروز پیدا می‌کند، بیشترین ضربه را به دانش‌آموزان وارد می‌سازد، چراکه آنها حساسیت بالاتر و تجربه کمتری در مواجهه با چالش‌های فردی و اجتماعی دارند. بنابراین لازم است توجه جدی‌تری به سالم‌سازی فضای عمومی جامعه، خانواده‌ها و مدارس داشته باشیم. کنترل و مدیریت ناهنجاری‌های اجتماعی و خانوادگی در این زمینه اهمیت بسیار زیادی دارد.

از سوی دیگر، باید رونق دوباره فعالیت‌های پرنشاط، جمعی، فرهنگی و تربیتی را در مدارس دنبال کنیم، فعالیت‌هایی که در گذشته سهم پررنگی در زندگی دانش‌آموزان داشتند، اما امروز تا حدی کمرنگ شده‌اند. این برنامه‌ها نه‌تنها نشاط و انگیزه ایجاد می‌کنند، بلکه بهترین بستر برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی هستند.

گزارش

یاسمین بخشی

جنجال مدرک شهردار آینده از اتاق فشار!

«جوان» در گزارشی موضوع مصوبه اخیر دولت درباره مدرک تحصیلی لازم را برای شهردار شدن بررسی کرده‌است

جریانی خاص در شورای شهر تهران، ماه‌هاست با محوریت حمله به مدرک تحصیلی شهردار تهران، در پی حذف وی از مدیریت پایتخت است؛ جریانی که از همان ابتدای انتخاب علیرضا زاکانی تلاش کرد ماجرای رشته تحصیلی را به ابزاری برای تسویه‌حساب سیاسی تبدیل کند و اکنون نیز با موج‌سواری بر ابهام در ابلاغ آیین‌نامه جدید، می‌کوشد راه انتخاب مجدد شهردار را مسدود نشان دهد.

از زمان انتخاب زاکانی در شورای ششم، بخشی از منتقدان در شورای شهر و رسانه‌های همسو، نه بر کارنامه مدیریتی او، بلکه بر عنوان رشته تحصیلی متمرکز شدند و مدعی شدند که وی با مدرک پزشکی هسته‌ای اساساً فاقد شرایط قانونی برای تصدی شهرداری است. همین جریان خاص، در روزهای اخیر نیز با استناد گزینشی به آیین‌نامه‌ها و اظهارنظرهایی مانند گفته‌های یکی از اعضای شورای شهر که انتخاب زاکانی را متأثر از فضای پس از انتخابات ۱۴۰۰ و بدون تجربه مرتبط توصیف کرده، می‌کوشد افکار عمومی را متقاعد کند که ادامه حضور شهردار در بهشت مغایر قانون است.

■ چرا سناریو پرونده‌های حجیم ناکام ماند؟

آنچه از حاشیه‌های چند سال گذشته برمی‌آید این است که مخالفان، تنها به بحث مدرک اکتفا نکرده‌اند و با تهیه گزارش‌ها و پرونده‌های متعدد، کوشیده‌اند وزارت کشور و نهادهای نظارتی را برای توقف یا عدم تأیید حکم شهردار تهران تحت فشار قرار دهند، اما این تلاش‌ها به تصمیم عملی منجر نشده‌است و تجربه نشان داده هر بار که یکی از این سناریوها با استدلال حقوقی پاسخ می‌گیرد. از جمله با یادآوری اینکه تعیین «رشته‌های مرتبط» طبق قانون، در صلاحیت دولت و وزارت کشور است؛ جریان معترض به سرعت سوژه‌ای تازه در همان چارچوب عدم انطباق مدرک تولید می‌کند تا خط فشار سیاسی قطع نشود.

■ آیین‌نامه جدید شهرداران؛ از مصوبه دولت تا ایراد مجلس

دولت سیزدهم در جلسه ۹ شهریور ۱۴۰۴، «آیین‌نامه اجرایی رشته‌های تحصیلی مرتبط برای انتخاب شهردار» را تصویب کرد؛ آیین‌نامه‌ای که در آن، فهرست بلندبالایی از رشته‌های فنی، مهندسی، علوم انسانی و شهری به‌عنوان رشته‌های مجاز برای تصدی شهرداری درج شده‌است. بنابراین در پیوست این آیین‌نامه، نامی از رشته‌های پزشکی، از جمله پزشکی هسته‌ای (رشته تخصصی شهردار تهران) دیده نمی‌شود و همین خلأ، برای جریان مخالف فرصتی ساخت تا ادعا کند قانون جدید عملاً راه ادامه کار زاکانی را بسته است و این موضوع برای نخستین از سوی یکی از منتصبان به جریان خاص در بستر رسانه‌ای مطرح شد!

■ ماده چهار؛ بندی که هدف گرفته شد

در متن همان آیین‌نامه، ماده چهار پیش‌بینی شده‌بود که براساس آن تمام اشخاصی که حداقل سه سال در سمت شهردار، متوالی یا متناوب، فعالیت داشته‌اند از شرط دارا بودن مدرک تحصیلی با رشته‌های مرتبط در این آیین‌نامه معاف هستند؛ بندی که امکان بهره‌گیری از تجربه مدیریتی را فراتر از عنوان مدرک به رسمیت می‌شناخت، اما حذف این بند درست همان نقطه‌ای است که جریان خاص در شورای شهر روی آن دست گذاشته است، زیرا روشن است که با وجود ماده چهار، تجربه چندساله زاکانی در مدیریت پایتخت می‌توانست بر خلأ شکلی در جدول رشته‌ها غلبه کند و راه قانونی برای تداوم مأموریت او باقی بماند.

■ ایراد هیئت تطبیق و بازی سیاسی

نکته قابل‌تأمل این است که هیئت تطبیق مصوبات دولت در مجلس، اواخر مهر ۱۴۰۴ طی نامه‌ای که به امضای رئیس مجلس رسید، ماده چهار را مغایر قانون دانست و استدلال کرد که قانون‌گذار به‌صراحت مدرک تحصیلی مرتبط را در کنار سوابق اجرایی، شرط لازم برای احراز شهرداری دانسته و دولت حق ندارد گروهی را از این شرط معاف کند. متأسفانه همین ایراد، که ماهیتاً تفسیری حقوقی است، به‌سرعت به دست برخی اعضای مخالف در شورای شهر تبدیل به سلاح سیاسی شد؛ آنان چنین القا کردند که مجلس راه دور دوم شهرداری زاکانی را بسته است در حالی که هنوز آیین‌نامه اصلاحی با جدول کامل رشته‌ها و سرنوشت نهایی ماده چهار، به‌طور رسمی ابلاغ و اجرا نشده‌است.

■ جدول حذف‌شدگان و جهت‌گیری رسانه‌ای

لیستی که این روزها در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود فهرست ۲۰ چهره سیاسی و مدیریتی با رشته‌های متنوع از فوق‌تخصص جراحی قلب تا فلسفه و مکانیک که ذیل عنوان افراد فاقد صلاحیت کنار هم چیده شده‌اند، بخشی از همین عملیات روانی است که می‌کوشد ماجرا را به تصفیه‌حساب با یک جریان سیاسی کامل تعمیم دهد. در این جدول، نام‌هایی از دو جناح عمده سیاسی و از شهرداران سابق تا رؤسای قوا دیده می‌شود، اما خوانش رسانه‌ای مشخصی آن را طوری روایت می‌کند که گویی مسئله اصلی، یک نفر است. شهردار فعلی تهران؛ یعنی فهرست مفصل، در عمل پوششی است برای هدف‌گیری شخصی و برجسته‌کردن پرونده مدرک تحصیلی زاکانی.

■ ابهام در ابلاغ و فرصت هجمه

در حالی که در جلسات دولت روی اضافه‌شدن سه گروه اصلی پزشکی، برق و مکانیک به جدول رشته‌های مجاز توافق شده و قرار بوده پس از بررسی در کارگروه تخصصی، متن اصلاحی دوباره در هیئت وزیران تصویب و سپس برای تأیید نهایی به مجلس بازگردد، نسخه‌ای ناقص و بدون اعمال این اصلاحات روی سامانه انتشار مصوبات قرار گرفت. همین خلأ و دوگانگی میان تصمیمات شفاهی و متن منتشرشده، فرصت طلایی برای جریان مخالف ساخت؛ آنان این تناقض را نه به‌عنوان نقص اداری و تأخیر در ابلاغ رسمی، بلکه به‌صورت گزینشی به‌عنوان تصمیم قطعی نظام برای کنار گذاشتن رشته‌هایی مثل پزشکی و برق روایت کردند تا نتیجه مطلوب خود یعنی حذف شهردار را القا کنند.

■ جایگاه دولت و وزارت کشور؛ پیام دوپهلو

طبق قوانین جاری، هیئت وزیران مرجع تعیین و تصویب شرایط احراز سمت شهردار است و وزیر کشور نیز فهرست رشته‌ها را متناسب با درجه شهرداری برای اجرا به استانداران ابلاغ می‌کند؛ این سازوکار، برای آن طراحی‌شده که از سیاسی‌شدن مفرط بحث تخصص جلوگیری شود. تأخیر در ابلاغ نسخه اصلاح‌شده و سکوت خبری درباره سرنوشت نهایی رشته‌های پزشکی و فنی، عملاً فضا را در اختیار مخالفان گذاشته است؛ اگر دولت و وزارت کشور سریع‌تر تکلیف جدول رشته‌ها و استثنای مبتنی بر سابقه مدیریتی را روشن کنند، بخش مهمی از ادعاهای جریان معترض در شورای شهر از مبنا بی‌اعتبار خواهد شد.

■ سابقه تغییر رشته‌های مرتبط؛ ماجرایی فراتر از یک نفر

بر اساس مستندات نگاهی به سوابق بخشنامه‌های وزارت کشور نشان می‌دهد که فهرست رشته‌های تحصیلی مرتبط برای تصدی شهرداری طی سال‌های گذشته چند بار اصلاح و تکمیل شده و اضافه‌شدن رشته‌های جدید، رویه‌ای مسبوق به سابقه است؛ به‌گونه‌ای که در برخی دوره‌ها، شهردارانی با مدرک علوم پزشکی یا رشته‌های مشابه در کلانشهرها فعالیت کرده‌اند. حتی دیوان عدالت اداری نیز در پرونده‌ای که خواستار ابطال مصوبه مربوط به انتصاب شهرداران بدون داشتن مدرک تحصیلی مشخص بود، شکایت را نپذیرفت و عملاً اختیار دولت در تعیین و تفسیر رشته‌های مرتبط را به رسمیت شناخت؛ امری که نشان می‌دهد بحث مدرک، بیشتر مصلحتی و سیاست‌گذاری است تا یک خط قرمز مطلق حقوقی.

■ تجربه مدیریتی؛ سرمایه‌ای که نادیده گرفته می‌شود

کارنامه چندساله مدیریت فعلی در تهران از پروژه‌های حمل‌ونقل و نوسازی ناوگان تا طرح‌های خدمات اجتماعی و زیست‌محیطی نشان می‌دهد که شهرداری امروز بیش از آنکه به عنوان رشته وابسته باشد، به ترکیب تجربه، شبکه کارشناسی و توان هماهنگی بین‌دستگاهی نیاز دارد، ظرفیتی که در دوره اخیر شکل گرفته و انکار آن بیشتر رنگ و بوی سیاسی دارد.

معیار واقعی برای سنجش شهردار، شاخص‌هایی مانند رضایت شهروندان، پیشرفت پروژه‌های عمرانی، شفافیت مالی و کارآمدی در مدیریت بحران است؛ اگر این معیارها محور نقد قرار گیرد، بحث مدرک تحصیلی تنها یکی از متغیرها خواهد بود، نه بهانه‌ای برای حذف چهره‌ای که بخش قابل توجهی از ساختار مدیریت شهری را با سلیقه‌ای متفاوت بازآرایی کرده‌است.

■ مدرک به‌عنوان پوشش نزاع سیاسی

کنار هم قرار دادن این حلقه‌ها از حملات نخستین روزهای انتخاب زاکانی و تهیه پرونده‌های متعدد، تا تمرکز بر ماده چهار آیین‌نامه و بهره‌برداری از تأخیر در ابلاغ جدول رشته‌ها – نشان می‌دهد که جریانی خاص در شورای شهر، «مدرک تحصیلی» را به پوششی برای یک نزاع عمیق‌تر بر سر جهت‌گیری مدیریت تهران تبدیل کرده‌است.

در چنین شرایطی، شفاف‌سازی دولت درباره دامنه رشته‌های مجاز، تعیین تکلیف استثناهای مبتنی بر سابقه و توضیح رسمی در خصوص چرایی انتشار نسخه ناقص آیین‌نامه، نه صرفاً یک اقدام اداری، بلکه گامی مهم برای خنثی‌کردن فضاسازی‌های سیاسی و صیانت از ثبات مدیریتی در پایتخت است؛ ثباتی که تداوم پروژه‌ها و خدمات شهری برای شهروندان تهرانی به آن گره خورده‌است.